علی علائی[1]

نگاهی به آموزش تاریخ معماری در جهان(۱)

تاریخ معماری از علوم پایه در آموزش معماری است؛ اما به سبب ماهیت کاربردی معماری، جایگاه آن در آموزش جدید معماری و شیوهٔ پرداختن به آن محل بحث بوده است. این دانش و مباحث نظری آن، هم به دلیل ماهیت خود که با امر واقع در گذشته سروکار دارد و هم در پیوند خوردن با مباحث عملی و کاربردی معماری، محل آراء گوناگون صاحب‌نظران بوده؛ و از این‌رو، روشها و نظریه‌های متعدد در آموزش تاریخ معماری در مجموعهٔ آموزش معماری پدید آمده است. در ایران، با توجه به غنای معماری تاریخی، این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد. بررسی شیوهٔ آموزش تاریخ معماری در دیگر کشورها و زمینه‌های بحث‌انگیز آن در افزودن دانش تجربی این رشته مؤثر است.

در چند شمارهٔ *مجلهٔ انجمن مورخان معماری*، مقالاتی در آموزش تاریخ معماری به چاپ رسیده که در آنها، نویسندگانْ آموزش معماری را در حوزه‌های مختلف جهان بررسی کرده‌اند. ترجمهٔ خلاصه‌ای از آنها در این مقاله گرد آمده است. جمع‌بندی و تحلیل مقالات در بخش دوم مقاله (در شمارهٔ بعد) خواهد آمد.

محتوا و شیوهٔ آموزش رشتهٔ معماری از حدود یک‌ونیم قرن پیش، یعنی تقریباً هنگام ورود این رشته به دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی جهان، همیشه دستخوش بحث و تغییر فراوان بوده است. یکی از علوم و دانشهای پایه در آموزش این رشته تاریخ معماری است که طبیعتاً از این قاعده مستثنا نبوده و در این مدت با بحث و تغییرات فراوانی روبه‌رو بوده است. علل عمدهٔ این بحثها و تغییرات، شاید در وهلهٔ اول به ماهیت رشتهٔ معماری بازگردد، که رشته‌ای حرفه‌ای و کاربردی است. در واقع، پیوند دادن مباحث نظری تاریخ معماری با جنبه‌های حرفه‌ای و کاربردی رشتهٔ معماری موضوعی مورد بحث و تأمل است. علت دیگر در معنا و مفهوم دانش تاریخ معماری نهفته است. مباحث تاریخ معماری با وقایع گذشته ارتباط دارد؛ و همین نکته رابطهٔ تاریخ معماری با آموزش معماری را در فضای امروز موضوعی بحث‌انگیز می‌سازد. حاصل آراء متنوع در این زمینه‌ها باعث شده است که آموزش تاریخ معماری در رشتهٔ معماری، از گذشته تا به امروز، با گونه‌های فراوانی روبه‌رو شود و امروزه نیز موضوع بحث محققان و صاحب‌نظران باشد.

حساسیت مبحث یادشده در کشورهایی چون ایران، که معماری تاریخی‌ای غنی و تا حدی متفاوت با معماری امروز داشته‌اند، دوچندان است. در این جهت، مطالعهٔ طرز رفتار کشورهای دیگر در زمینهٔ آموزش تاریخ معماری اولاً تصویر روشن‌تری از وضع فعلی آموزش این موضوع در جهان ارائه می‌کند؛ و ثانیاً در مواجهه با زمینه‌های بحث‌انگیز، برای ارتقای کیفی آموزش تاریخ معماری در ایران، ما را از تجربیات دیگران بهره‌مند می‌کند.

در این نوشته، مجموعه‌ای از هفت مقالهٔ تحقیقی دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در کشورهای مختلف که از *مجلهٔ انجمن مورخان معماری*[2] در بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ تهیه شده خلاصه و عرضه می‌شود. در این مقاله‌ها، آموزش تاریخ معماری در هجده کشور جهان در پنج حوزهٔ آسیای شرق دور، اروپای میانه، اروپای غربی، امریکای شمالی، و امریکای جنوبی بررسی شده است.[3] این مقاله‌ها حاصل تحقیق و تجربهٔ محققان یا مدرسانی است که سالها در زمینهٔ آموزش تاریخ معماری فعالیت کرده‌اند.

مقاله‌ها را نویسندگان مختلفی نگاشته‌اند؛ از این‌رو، محتوا و ساختار آنها متفاوت است. بعضی از مقالات ساختاری روشن‌تر دارد و نویسندگان آنها تقریباً راجع به همهٔ موضوعات و عنوانهای مرتبط با آموزش تاریخ معماری ــ البته نه چندان مفصل ــ سخن گفته‌اند. در مقابل، صاحبان برخی دیگر از مقاله‌ها فقط از چند نکته یاد کرده، اما آنها را با جزئیات بیشتری بررسی کرده‌اند. در اینجا می‌کوشیم ضمن حفظ ساختار کلی و ترتیب موضوعی مطالب مقاله‌ها، از طرح نکات خاصی که عمومیت ندارد اجتناب شود و به‌منظور مقایسهٔ بهتر، تا حد امکان موضوعاتی که در بیشتر مقاله‌ها بدانها توجه شده است مطرح گردد. جمع‌بندی از مجموعهٔ مقاله‌ها و تحلیل آنها به بخش دوم این مقاله (در شمارهٔ آینده) موکول می‌شود. در آنجا موضوعات طرح‌شده در زمینهٔ آموزش تاریخ معماری به‌اجمال عرضه و دسته‌بندی و تحلیل خواهد شد.

۱. آموزش تاریخ معماری در آلمان و اتریش و سوئیس[۴]

اولین مدرسهٔ معماری آلمانْ آکادمی کونیش‌لیشه[۱] در برلین است که در سال ۱۷۹۹ تأسیس شد. این مدرسه بعدها، پس از سال ۱۸۳۶، به ساختمان کارل فریدریش شینکل[۲] منتقل شد. تأکید مدرسان این مدرسه بر تربیت بنّای حرفه‌ای بود، نه محقق و مدرس. به همین منظور، آموزش تاریخ معماری در این مدرسه در متن محتوای درسی و درآمیخته با کارگاههای طراحی معماری و بر عهدهٔ مدرسان کارگاهها بود. محتوای دروس نیز سبکهای تاریخی (عمدتاً سبکهای یونان و گوتیک) بود. از نتایج این کار، اشتغال فارغ‌التحصیلان این مدرسه در کاوشهای باستان‌شناسی آلمان بود، که به‌تدریج باعث رواج علم باستان‌شناسی ساختمان نیز شد. رواج این گرایش مرهون آموزش خوب و کامل فارغ‌التحصیلانی بود که مسئول این فعالیتها بودند.

آموزش سبکهای تاریخی تا اواخر قرن نوزدهم و دههٔ دوم قرن بیستم در متن آموزش تاریخ معماری قرار داشت. اما در این زمان، به‌تدریج به علومی چون سازه، کارکرد، و مواد و مصالح توجه خاصی شد و محتوای آموزشی تاریخ معماری نیز به‌تدریج در روشها و فناوریهای ساخت‌وساز گذشته جهت‌گیری شد. از حدود سالهای ۱۹۲۰، به‌تدریج قالب سنتی آموزش تاریخ معماری تغییر کرد و این درس تقریباً به شکلی مستقل از کارگاه طراحی معماری در مدارس معماری آلمان، سوئیس و اتریش مطرح شد.

موضوع تاریخ معماری در کشورهای آلمان، اتریش، و سوئیس در دانشکده‌های مختلفی تدریس می‌شود. در حدود نیمی از دوره‌های آموزش تاریخ معماری در دانشکده‌های هنر برگزار می‌شود. حدود یک‌چهارم مورخان این دانشکده‌ها مورخ معماری و بقیه مورخ هنرند. تقریباً از هر ده مدرس این دانشکده‌ها، چهار مدرسْ موضوع تاریخ معماری را نیز آموزش می‌دهند. علاوه بر این، در حدود بیست‌درصد سمینارها نیز در این زمینه است. با توجه به اینکه دانشجویان می‌توانند درسها را انتخاب کنند، معمولاً گذراندن درس تاریخ معماری در این دانشکده‌ها اجباری نیست. در دوره‌های دکتری نیز به علت اجباری نبودن، آموزش تاریخ معماری حضور ضعیف‌تری دارد. تاریخ معماری در مدارس معماری حدود بیست دانشگاه یا مدرسهٔ عالی آلمان، چهار دانشگاه یا مؤسسهٔ آموزشی سوئیس، چهار دانشگاه اتریش و همچنین ۴۶ دانشکدهٔ معماری از پلی‌تکنیکهای[۳] آلمان تدریس می‌شود[۵]. در دو سال اول آموزش معماری در مدارس معماری، عمدتاً دروس اجباری عرضه می‌شود و تاریخ معماری نیز که جزو همین دوره است، از این قائده مستثنا نیست. دروس تاریخ معماری تخصصی در سالهای بالاتر عرضه می‌شود و اختیاری است. بیشتر مدرسان تاریخ معماری در این مدارس مورخانی‌اند که آموزش پایه را در رشتهٔ معماری گذرانده‌اند.

محتوای درس تاریخ معماری در مدارس معماری عمدتاً موضوعات معمول تاریخ معماری و برداشت[۶]، دست‌کم در خصوص معماری قرون نوزدهم و بیستم است. البته در برخی از مدارس هنوز مطابق با قالب آموزش سنتی، تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری عرضه می‌شود. البته در این مدارس ممکن است که موضوعات متنوع جدید با تمرکز روی دوره‌های خاص تاریخی یا نکات جزئی در دوره‌ای خاص، با طرح سؤالات و ملزومات تاریخی در قالبی جذاب عرضه شود. با وجود این، توجه متمرکز بر موضوع یا زمان، ممکن

(1) Königliche Bauakademie

(2) Karl Friedrich Schinkel

(3) Fachhoch-schulen

است باعث گردد دانشجویان معماری از این مدارس فارغ‌التحصیل شوند، بی‌آنکه اصلاً مطلبی راجع به مثلاً فرانک لوید رایت[۴] یا لوکربوزیه[۵] شنیده باشند.

از طرفی، برخی مؤسسات تحقیقات تاریخ معماری ایجاد شده که در کنار آنها مدرسهٔ معماری نیز برپا شده است. از این دست می‌توان از مؤسسهٔ تاریخ و تئوری معماری[۶] (۱۹۶۷) در کنار مدرسهٔ فنی آیدگنوسیشهٔ زوریخ[۷] (بخش معماری، ۱۸۵۵) یاد کرد.[۷] در این مدرسه در سال اول، هفته‌ای دو ساعت آموزش تاریخ معماری، فرهنگ دو قرن نوزدهم و بیستم و تاریخ هنر و معماری؛ و در سال دوم، دو ساعت تاریخ شهرسازی به صورت اجباری عرضه می‌شود. همچنین دانشجویان در سال اول با سؤالاتی در زمینهٔ مرمت آثار تاریخی روبه‌رو می‌شوند. دانشجویان سال بالاتر نیز دو ساعت آموزش اجباری تاریخ هنر و معماری، تئوری معماری و تاریخ شهرسازی دارند. به‌علاوه، بسیاری دروس اختیاری و نیز سمینارهای تاریخ سازه در معماری مدرن، تاریخ فناوری ساختمان و هنر و شهرسازی و غیره نیز برای ایشان عرضه می‌شود. در مدرسهٔ دیگری در اتریش، گذراندن دروس تاریخ معماری در چهار سال از شش سال آموزش معماری اجباری است. در مدرسهٔ برنامه‌ریزی و معماری دانشگاه وین،[۸] به تاریخ معماری معاصر توجه بسیاری می‌شود. در این مدرسه، ده‌درصد از اوقات آموزشی در سه سال اول به دروس تئوری و تاریخ معماری با موضوعاتی چون معماری معاصر، برداشت، علوم اجتماعی، تئوری معماری، معماری قرون نوزدهم و بیستم، و جنسیت در معماری اختصاص دارد.

نکتهٔ جالب و شاید منحصربه‌فرد در آلمان، تفاوت میان دانشکده‌های تاریخ معماری و تاریخ یا تحقیق ساختمان است. به قول نیکولاس پوزنر[۹]، تفاوت عمده در این مثال خلاصه می‌شود که «کلیسای اعظم لینکلن[۱۰] معماری است؛ اما سایبان دوچرخه ساختمان است.» در دانشکده‌های تاریخ ساختمان، مباحثی چون نقشه‌برداری و برداشت کامل و ترسیم بنا، تحقیق بر روی معماری بومی عمدتاً با ارزیابی سازه، و نیز آموزش تاریخ معماری عمومی (تا وقایع استثنایی) با تأکید بر تاریخ تغییرات درازمدت (تا وقایع امروزی) عرضه می‌شود. این شیوهٔ آموزش عموماً به دوره‌های باستان‌شناسی اختصاص دارد؛ اما به مرور زمان، این روش برای دانشجویان معماری نیز ــ البته با تأکید بر قرون هیجدهم و نوزدهم ــ برنامه‌ریزی شده است. امکان فعالیت حرفه‌ای (کارآموزی) در بسترهای تاریخی، همچون برداشت و باستان‌شناسی و حتی فرصت فعالیت بر روی معماری غیرغربی، نیز برای این دانشجویان مهیاست.

دانشکده‌های تاریخ معماری ارتباط نزدیکی با مؤسسات مرمت آثار تاریخی دارند، که در آلمان از اعتبار و حمایت مالی زیادی برخوردارند. در کشور آلمان بیشتر از هر کشور دیگری به مرمت توجه می‌شود. حدود هفت‌درصد ساختمانها در آلمان جزو آثار حفاظت‌شده است. البته به نظر می‌رسد که موج توجه به مرمت آثار گذشته توجه به معماری امروز را در آلمان کم‌رنگ کرده است. به‌علاوه، همان‌گونه که حفاظت آثار باستانی در آلمان اهمیت دارد، حفاظت از قالبها، نقشه‌ها، تابلوهای ترسیمی و نیز کتب و مجلات چاپ‌شدهٔ قدیمی نیز بسیار مهم است و در این زمینه فعالیتهای گوناگونی در آلمان صورت گرفته است.

در پلی‌تکنیکهای آلمان نیز، که همان مدارس عالی حرفه‌ای‌اند، آموزش معماری جنبهٔ کاربردی دارد. بنا بر این، آموزش تاریخ معماری نیز با محتوای کاربردی رواج دارد و بیشتر به مرمت آثار تاریخی با موضوعاتی چون مرمت سازه‌های تاریخی، حفاظت آثار تاریخی، و تاریخ ساخت‌وساز اختصاص دارد. در اینجا نیز دانشجویان، همچون دانشجویان دیگر دانشکده‌های تاریخ ساختمان، به برداشت ساختمانها، البته با جزئیات بیشتر، می‌پردازند. دوره‌های کارشناسی ارشد مرمت آثار تاریخی در آلمان فراوان است؛ اما فقط معدودی دورهٔ کارشناسی ارشد در زمینهٔ تاریخ و تئوری معماری وجود دارد.

در آموزش تاریخ معماری، استفاده از الگوها، نقشه‌ها و تابلوهای ترسیمی، اسلاید، نمایش فیلم و نیز سفرهای طولانی‌مدت، حتی تابستانه به صورت کارآموزی بسیار رایج و حتی اجباری است. مثلاً در مونیخ، کل یک کلاس ۲۲۰نفری در نیم‌سالهای دوم و چهارم آموزشی، یک هفته برای نقد و بررسی به شهرهای تاریخی سفر می‌کنند. فعالیتهای معمول در این سفرها ترسیم دست آزاد، نقاشی و نقد و تحلیل اوضاع موجود است. در اغلب

(4) Frank Lloyd Wright

(5) Le Corbusier

(6) Institut GTA

(7) Eidgenössische Technische Hochschule

(8) Technische Universitat Wien

(9) Nikolaus Pevsner (1902–1983)

(10) Lincoln Cathedral

موارد، توضیحات تکمیلی سفر دربارهٔ شهرها و بناها، قبلاً برای مطالعه در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد. صرف استفاده از کتب خاص در آموزش تاریخ معماری در آلمان به دو علت زیاد رواج ندارد: یکی به علت اعتقاد به آموزش آزاد (اختیار بیشتر برای دانشجویان)، و دیگری به منظور اختیار بیشتر مدرسان در عرضهٔ مواد درسی. به همین علت، در آلمان عرضهٔ جزوهٔ درسی مدرسان نسبتاً رایج است.

از سال ۱۹۲۰، به علت جنبشهای مدرن و گرایشهای جدید، تاریخ معماری محوریت خود را در آموزش معماری به‌تدریج از دست داد و خطر کم‌توجهی آن را تهدید کرد. در حال حاضر، مدارس معماری بیشتر به استخدام منتقدانِ معماری علاقه دارند تا استخدام مورخان معماری. ظاهراً در آلمان، مورخان معماری روزبه‌روز از مدارس معماری فاصلهٔ بیشتری می‌گیرند. به منظور حفظ اهمیت تاریخ معماری، توجه به این عوامل ضروری به‌نظر می‌رسد: توسعهٔ انجمنهای حرفه‌ای و صنفی (همچون انجمن مورخان معماری)؛ توجه به موضوع رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری؛ توجه و ابراز علاقهٔ مدرسان به فعالیت در زمینهٔ موضوعات تاریخی؛ توجه به اهمیت آموزش تاریخ معماری در رشتهٔ معماری و تحقیق در موضوعات مختلف تاریخ معماری.

آموزش تاریخ معماری در امریکای لاتین[۸]

کشورهای حوزهٔ امریکای لاتین (آرژانتین، برزیل، شیلی، کوبا، جمهوری دومینیکن، مکزیک، پورتوریکو، اروگوئه) با توجه به اوضاع مشابه و ویژگیهای مشترک، از جمله زبان و میراث باقی‌مانده از سابقهٔ مشترک با اسپانیا، یکدیگر را در یک مجموعه می‌انگارند؛ و این از علل شباهت شیوهٔ آموزش معماری و نیز تاریخ معماری در این منطقه است. علت دیگر وضع مشابه فعالیت حرفه‌ای مهندسان معمار در این کشورهاست ــ همچون اوضاع و احوال یکسان کارفرماها، که همه یا بسیار ثروتمندند، یا از کشورهای خارجی‌اند، یا از عموم اقشار کم‌درآمد یا دولتی. بنا بر این، مطالبی که در این بخش عرضه می‌شود، تقریباً برای همهٔ این کشورها یکسان صادق است.

اولین مدرسهٔ معماری امریکای لاتین با نام رئال آکادمیا دِسان کارلوس دلا نوئِوا اسپانیا[۱۱] در سال ۱۷۸۱ در مکزیکوسیتی تأسیس شد. این مدرسه در ابتدا، پیش از استقلال از اسپانیا، از روش بوزار[۱۲] تبعیت می‌کرد. روش بوزار مبتنی بر این تفکر است که رشته‌های معماری و نقاشی و مجسمه‌سازی اساس مشترک دارند که همان طراحی است. بعد از استقلال از اسپانیا، مدارس معماری بیشتر از پلی‌تکنیکها تبعیت کردند و محتوای برنامهٔ درسی آنها جهت‌گیری فنی پیدا کرد. سپس در حدود اواسط قرن بیستم، مدارس معماری به‌تدریج خود را از هر دو صورت فوق جدا کردند. امروزه مدارس معماری خصوصی گسترش پیدا کرده‌اند و برنامه‌هایی چون گرافیک، طراحی دیجیتالی، طراحی صنعتی، و طراحی لباس به برنامه‌های آنها اضافه شده است.

تعداد مدارس معماری در مکزیک بسیار زیاد است، شاید به اندازهٔ ایالات متحد امریکا، درحالی‌که جمعیت این کشور نصف ایالات متحد است؛ اما در کشورهای فقیر مرکزی منطقهٔ امریکای لاتین، تعداد مدارس معماری بسیار کم است.

مدت آموزش معماری ده نیم‌سال (پنج سال) است؛ البته در برخی از دانشگاهها مدت تحصیل به علت طرح نهایی یک سال بیشتر است. در مکزیک، دانشجویان باید یک دورهٔ کارآموزی شش‌ماهه را نیز در یکی از سازمانهای دولتی بگذرانند. شیوهٔ آموزشی به صورت گروهی و به رهبری یک مدرس اصلی (پروفسور) است که چندین همکار دارد. همهٔ دانشجویان برای ورود به دانشگاه باید دروس عمومی و علمی را امتحان بدهند؛ به‌علاوه، مدارس معماری ممکن است امتحان خاص خود را نیز داشته باشند.

برنامه‌های آموزشی تحت نظر دولت مرکزی است؛ غیر از چند مدرسهٔ جدید در شیلی که تأیید برنامه‌های خود را از انجمن سلطنتی معماران انگلستان[۱۳] دریافت کرده‌اند. تخصصهای کارشناسی ارشد نیز عمدتاً دو گرایش تاریخ معماری و مرمت تاریخی دارند.

معمولاً تاریخ معماری را معمارانی آموزش می‌دهند که درجهٔ دکتری یا تخصص در تاریخ معماری دارند، نه مورخان هنر. این موضوع باعث کاهش تحقیقات پایه در زمینهٔ تاریخ معماری شده و همچنین در فعالیت طراحی، بر تئوری معماری بیشتر از تاریخ تأکید شده است.

(11) Real Academia de San Carlos de la Nueva España

(12) Beaux Arts

(13) Royal Institute of British Architects (RIBA)

در برنامه‌های آموزشی، میان تاریخ و تئوری و نقد تفاوت قایل می‌شوند. تئوری معماری معمولاً در قالب درسی مقدماتی برای تفهیم اندیشه‌هایی که معماری غربی را شکل داده است، یا در قالب درسی اختیاری در زمینهٔ متون مربوط به آثار معماری معاصر قرن بیستم، یا رساله‌های معماری عرضه می‌شود. در کل، تئوری معماری در چهارچوب دوره‌های تاریخی عرضه می‌شود. موضوع نقد در معدودی از مدارس فعالیتی همیشگی است. نمونه‌ای موفق در این زمینه مدرسهٔ پاپی کاتولیک شیلی[۱۴] است که در آن در هر دو هفته یک‌بار، معماران بناهای امروزی آثار این دوره (تا ده سال گذشته) را در جلسات سمینار نقد می‌کنند. به‌علاوه، بعضی از مدارس معماری در شیلی و اروگوئه سفر و بازدید از بناهای واقعی را در برنامهٔ آموزشی خود گنجانده‌اند.

معمولاً در مدارس معماری امریکای لاتین، پنج تا هفت درس مرتبط با تئوری و تاریخ معماری در دورهٔ کارشناسی معماری عرضه می‌شود. ستون اصلی آنها دروس برداشت تاریخی، معمولاً از بناها یا شهرهای ماقبل تاریخ تا به امروز، است که در سه نیم‌سال عرضه می‌شود. موضوعات معمولاً در ابعاد جهانی و محدود به سبکهای اروپایی و غربی‌اند. در مدارس، بیشتر سعی بر این است که ساختمانها و معماران و سبکهای اصلی اروپایی و امریکایی را بررسی کنند؛ حتی اگر این موضوع باعث برهم خوردن توالی تاریخی عرضهٔ مباحث باشد. معمولاً راجع به افریقا و استرالیا، به‌جز مصر و حوزه‌های باستانی رومیان در شمال افریقا، بحثی در میان نیست و به تمدنهای آسیایی به‌ندرت توجه می‌شود. بحث دربارهٔ ایالات متحد امریکا با فرانک لوید رایت، البته در مقام معمار مدرن اروپایی، آغاز می‌شود. باید گفت که درس برداشت تاریخی موضوعی بلامنازع نیست؛ در بعضی از مدارس، این درس را در ابتدا با تفسیر و روشی نقادانه آغاز می‌کنند؛ در بعضی دیگر، آن را با بحث تاریخ‌شناسی آغاز می‌کنند؛ و در بعضی دیگر نیز اعتقاد بر این است که این درس باید با نمونه‌های متنوع و بسیار از تاریخ بومی امریکای لاتین همراه باشد. در بعضی از مدارس، تاریخ معماری بومی امریکای لاتین قبل از تاریخ معماری غرب، و در بعضی جدا از تاریخ معماری غرب، و در برخی دیگر به صورت اختیاری عرضه می‌شود. در کوبا نیز تلاشهای بسیاری شده تا کتب تاریخ معماری با رویکردهای اجتماعی و اقتصادی تهیه و تدوین گردد؛ البته این استثناهایی نیز دارد، مثلاً دانشگاهی به نام بالپارائیزو[۱۵] در شیلی هست که اصلاً درسی با مضمون تاریخ معماری در برنامهٔ آموزش معماری خود ندارد.

با توجه به آنچه ذکر شد، محتوای آموزش تاریخ معماری در امریکای لاتین ممکن است در دو گرایش اصلی عرضه شود: معماری اروپایی، شامل نشانه‌ها و ساختمانها؛ معماری محلی و منطقه‌ای، شامل ساختمانهای بومی و رویکرد گونه‌شناسی به مفهوم شهرسازی. هنوز کتب تاریخ معماری کسانی چون فلچر،[۱۶] سامرسون،[۱۷] پوزنر، بِنوِلو،[۱۸] زِوی،[۱۹] و تافوری[۲۰] را آموزش می‌دهند؛ اما مقاله‌هایی که در آنها موضوعات تاریخ معماری را به نقد می‌کشند نیز علاقه‌مندان بسیاری دارد.

بیشتر مدارس دست‌کم یک درس مرتبط با معماری بومی یا امریکای لاتین در برنامهٔ آموزش معماری خود دارند. این مطلب از حدود سالهای ۱۹۲۰ که توجه به معماری ملی بیشتر شد، گسترش یافته است. البته این جریان بعد از دههٔ ۱۹۵۰ که موضوع حفاظت آثار تاریخی در مجامع ملی و بین‌المللی جدی شد، در مدارس معماری قوتی بیشتر یافت. مثلاً در کشور آرژانتین، دانشجویان و مدرسان و مجموعهٔ مدارس معماری دربارهٔ حفظ آثار تاریخی در مراکز شهرها به منزلهٔ هویت ملی و جلوگیری از نشاندن اداره و مغازه و هتل به جای آنها درگیر بحثها و گفتگوهای جدی‌اند. برگزاری مسابقه، اعطای بورس، و سرمایه‌گذاری برای تشویق حفظ آثار و مرمت بناها و آثار تاریخی به منزلهٔ هویت ملی از فعالیتهای آنان است. نقش محققان را نیز نباید فراموش کرد؛ آنان می‌توانند در توجه بیشتر و جدی‌تر به موضوع تاریخ معماری اثرگذار باشند.[۹] همایشها و سمینارها نیز به رواج بیشتر موضوع کمک می‌کند.[۱۰]

توجه به تاریخ معماری بدون چاپ و انتشار کتب و مجلات پربار ممکن نیست. چاپ مجلات ماهیانه و ادواری در زمینهٔ تاریخ و جمع‌آوری آنها در کتابخانهٔ دانشگاهی، به تحقیق دانشجویان آینده کمک می‌کند. در این باره، تهیهٔ فهرست موضوعی مجلات در کشورهای امریکای لاتین نیز بسیار اهمیت دارد. فعالیت معماران حرفه‌ای را که به تاریخ معماری حساس‌اند نیز نباید فراموش کرد؛

(14) Pontificia Universidad Catolica de Chile, School of Architecture

(15) Valparaíso

(16) Bannister Fletcher

(17) John Summerson

(18) Leonardo Benevolo

(19) Bruno Zevi

(20) Manfredo Tafuri

مثلاً از بین این معماران می‌توان به کلاودیو کاوری[۲۱] و توگو دیاس[۲۲] آرژانتینی، کریستیان گروت[۲۳] شیلیایی، روخلیو سالمونا[۲۴]ی کلمبیایی، کارلوس میخارس[۲۵] مکزیکی، و خووِنال باراکو[۲۶]ی پرویی اشاره کرد.

آموزش تاریخ معماری در انگلستان و استرالیا[۱۱]

ارزیابی محتوای آموزشی و کیفیت تدریس مدرسان در کشور انگلستان که مؤسسهٔ سلطنتی معماران این کشور انجام می‌دهد موضوعی وقت‌گیر و بسیار پرزحمت است؛ اما دست‌کم باعث شده که همهٔ مدارس معماری مجبور به عرضهٔ درس تاریخ معماری در برنامهٔ خود باشند.

در انگلستان فقط در دو دانشگاه ادینبرو[۲۷] و کیل[۲۸] رشتهٔ کارشناسی در گرایش تاریخ معماری عرضه می‌شود. در استرالیا نیز فقط در دانشکدهٔ معماری و هنر دانشگاه ملبورن[۲۹] گرایش تاریخ معماری عرضه می‌شود. در کل، در انگلستان تاریخ معماری به منزلهٔ بخشی از گرایشی تحصیلی در رشتهٔ تاریخ هنر یا درسی تخصصی در رشتهٔ معماری عرضه می‌شود. با وجود این، متأسفانه هیچ کرسی به ثبت رسیده‌ای در تاریخ معماری در انگلستان وجود ندارد. در دانشگاههای انگلستان، مدرسان یا خودشان غیررسمی به این رتبه رسیده‌اند، یا در موضوعات دیگر ــ همچون تاریخ هنر ــ کرسی رسمی گرفته‌اند. به همین علت، فقط معدودی مورخان معماری در بخشهای مهمی همچون کارگروههای تخصصی دانشگاههای معتبر یا فرهنگستان انگلستان حضور دارند. به‌علاوه، عدهٔ کم محققان (استادان) امکان جذب دانشجویان دکتری و پیشرفت تحقیقات را نیز کم کرده است. لذا نخست باید به تعداد کم کرسیهای تاریخ معماری در دانشگاههای انگلستان توجه کرد. البته غیر از دانشگاهها، باید پذیرفت که اگر تعامل دانشگاهها با فعالان مراکز غیردانشگاهی ــ همچون سازمان حفظ میراث ملی،[۳۰] میراث فرهنگی انگلستان،[۳۱] و اسکاتلند تاریخی[۳۲]ــ تقویت گردد، آموزش معماری غنی‌تر می‌شود.

تاریخ معماری در دروس تاریخ هنر دانشکده‌های تاریخ هنر نیز به‌نوعی عرضه می‌شود؛ اما در این دانشکده‌ها، بیشتر ترجیح می‌دهند که تاریخ هنر را به صورت خالص عرضه کنند. آموزش تاریخ معماری به دانشجویان معماری با آموزش تاریخ معماری به دانشجویان هنر تفاوت دارد. اصولاً انگیزه و علاقهٔ دانشجویان معماری در این زمینه بیش از دانشجویان هنر است؛ حتی اگر آنچه می‌آموزند با کارگاه طراحی معماری ارتباط روشنی نداشته باشد. از طرف دیگر، باید اضافه کرد که معماران فرهیخته تاریخ معماری را به‌گونه‌ای متفاوت با مورخان هنر عرضه می‌کنند. بسیاری از این معماران شروع تاریخ معماری را از دههٔ ۱۹۰۰ به بعد می‌دانند. برخی از همکاران دانشگاهی حتی معتقدند همان‌قدر که تئوری معماری موضوعی مهم در آموزش معماری است، تاریخ معماری موضوعی نامربوط است. در مدارس معماری استرالیا نیز اوضاع مشابهی حاکم است؛ اما در این کشور، تاریخ معماری را برای به دست آوردن ایدهٔ طرح معماری در کارگاههای طراحی معماری به کار می‌گیرند.

متأسفانه امروزه نبودن ارتباط مناسب میان تاریخ و تئوری معماری در آموزش و فرهنگ معماری مشکل‌آفرین شده است. مثلاً آموزش تاریخ معماری پیش از دوران مدرن برای مدرس تاریخ معماری معضل بزرگی است؛ در حالی که عرضهٔ این موضوع در افزایش آگاهی دانشجویان در تفسیر عمومی مطالب، همچون ارتباط میان تئوری و عمل در گذشته و امروز، بسیار مؤثر است و نیز ذکر موضوعاتی چون فناوری، مواد و مصالح، کارکرد بنا، نقش مهندسان معمار و کارفرمایان و اهمیت حفاظت و مرمت در این موضوع بسیار مفید است. به‌علاوه، هنگام فعالیت در حوزهٔ طراحی معماری، در مواجهه با بستر طرح معمولاً به اطلاعات تاریخی نیاز است.

به‌صراحت باید گفت که همهٔ همکاران این رشته جدایی عقلانی میان تئوری و تاریخ و نیز بعضی هم‌پوشانی آنها را تصدیق می‌کنند. بسیاری افراد به آموزش تئوریهای معماری گذشته بیشتر از تئوریهای معماری امروز اهمیت می‌دهند. البته بسیاری نیز به آگاهی از تئوری رایج معتقدند و برآن‌اند که اصولاً نه تئوری مطلوب بدون تاریخ می‌تواند وجود داشته باشد و نه تاریخ مطلوب بدون تئوری. هر دو نظریه، یعنی تئوری و تاریخ جدا از هم یا تئوری و تاریخ جداناشدنی، قابل بحث است. مهم‌تر از این مطالبْ کاربرد تئوری در طراحی معماری است، که ظاهراً نیل به آن دشوار است. باید توجه کرد که موضوع

(21) Claudio Caveri
(22) Togo Diaz
(23) Christian Groote
(24) Rogelio Salmona
(25) Carlos Mijares
(26) Juvenal Baracco
(27) Edinburgh
(28) Keele
(29) University of Melbourne
(30) National Trust
(31) English Heritage
(32) Historic Scotland

انتخاب تئوری‌ای کامل و قوام‌یافته به دست مورخی حرفه‌ای با تمرین و نقد تئوری معماری امروزی به دست دانشجویی که هنوز حتی فرصت تحقیق در منابع پایه و اولیه را نداشته است تفاوت دارد. ضمناً باید یادآور شد که در استرالیا، عرضهٔ یک نوع تئوری رایج در مدارس تقریباً ممنوع است.

از مزایای تاریخ معماریْ چندحوزه‌ای بودن آن است. مثلاً مدرسان تاریخ معماری ممکن است در حوزه‌های تاریخ، تاریخ هنر، ادبیات، فرهنگ، اقتصاد، معماری، جغرافی، و غیره حضور یافته باشند. چون در استرالیا زمینهٔ مطالعات فرهنگی قوی‌تر است، در آنجا این حوزه از انگلستان هم گسترده‌تر است. در موضوع فرهنگ در تئوری و تاریخ معماری، می‌توان بحثهایی همچون هویت و تفاوت فرهنگها، خودی و غیرخودی، بومی و جهانی، درون‌گرا و برون‌گرا را مطرح کرد.

فارغ‌التحصیلان باستان‌شناسی چون آموزشهای‌شان کاربردی‌تری از مورخان معماری است، توفیقشان در یافتن شغل بیشتر است. به همین علت و در این رقابت، لازم است که در کنار آموزش تاریخ معماری به دانشجویان معماری دانشهایی چون تاریخ فناوری ساختمان، طراحی دست آزاد و اسکیسهای دستی، عکاسی، آزمایش عملی بدنه و سازهٔ ساختمان را نیز آموزش داد.

عرضهٔ تاریخ معماری از زاویهٔ سیر تحول تاریخی معماری به منظور درک خلاقیتها و تصورات ذهنی دانشجویان مهم است. هر مطالعه‌ای که قرار باشد در آن علتها بررسی شود نیازمند بررسی سیر تحول است. دیدگاههای موضوعی[۳۳] همچون مطالعات سبک‌شناسی نیز به جای خود ارزشمند است؛ اما درک آنها هم وابسته به آگاهی از سیر تحول تاریخی است. البته ظاهراً دانشجویان علاقه‌ای به این روش مطالعات تاریخی ندارند؛ شاید به این علت که از دوران دبیرستان، دانش پایهٔ کافی از موضوع تاریخ پیدا نکرده‌اند.

«معیار»[۳۴] نیز در تاریخ معماری نقش مهمی دارد. معیار گاهی جنبه‌های مثبت دارد و گاهی منفی. از جنبه‌های مثبت آن تحقق یافتن آرمانهاست که آن را می‌توان در «معیار»ها جستجو کرد؛ اما امروزه با توجه به افزایش دانشجویان دیگر کشورها، معیارهای غربی مسئله‌ساز شده است. این موضوع در استرالیا که تنوع فرهنگی بیشتری دارد بارزتر جلوه می‌کند. بهترین مدرسان تاریخ معماری کسانی‌اند که به کشانیدن برنامهٔ درس به خارج از کلاس و مناطق هم‌جوار بسترهای تاریخی علاقه دارند. در همین سفرها، می‌توان دربارهٔ معیارها مطالعه و بحث کرد. از طرفی باید توجه کرد که در صورت توجه به معیارها، احتمالاً به معماری بومی یا محلی کمتر توجه می‌شود؛ و توجه به معماری بومی در مقابل معیارهای غربی، با توجه به توسعهٔ نظریهٔ دهکدهٔ جهانی، در معرض تهدید است.

در روش آموزش دانشگاهی در انگلستان، برای ارجاع مطالب هر درس از کتب واحد استفاده نمی‌شود. در عوض، مجموعه‌ای از کتب مناسب و قابل مطالعه عرضه می‌شود تا دانشجویان به مطالعه و نقد و بررسی بیشتر ترغیب شوند. البته وجود کتاب جامع اطلاعاتی و مرجع مناسب برای استفادهٔ عمومی دانشجویان بسیار مفید است. در این مورد می‌توان به کتاب تاریخ هنر جهان،[۱۲] نوشتهٔ هیو آنر[۳۵] و جان فلمینگ[۳۶]، یاد کرد که شامل نمونه‌های خوبی از معماری غربی و غیرغربی است. از نویسندگان دیگر می‌توان به اسپیرو کوستوف،[۳۷] دیوید واتکین،[۳۸] پاتریک ناتجنز،[۳۹] نیکولاس پوزنر و درک معماری[۱۳] راث،[۴۰] و درک معماری[۱۴] کانووی[۴۱] و رونیش[۴۲] اشاره کرد. البته ظاهراً دانشجویان، فارغ از نظر مدرسان، هنوز از کتاب تاریخ معماری فلچر استفاده می‌کنند.

دست آخر، حفظ باور به اهمیت موضوع تاریخ معماری و تواناییهای آن نیازمند فعالیت پرتوان و باانگیزهٔ مدرسانی است که در این زمینه اندیشه‌هایی هوشمندانه دارند.

آموزش تاریخ معماری در ایالات متحد امریکا[۱۵]

هر جا که آموزش معماری مطرح بوده، در پی تکنیکهای بعد از انقلاب فرانسه در آلمان یا فرانسه، یا در مؤسسات حرفه‌ای لندن، در مدارس یا دانشگاههای اواخر قرن نوزدهم ایالات متحد، در همه جا تاریخ معماری نقش مهم و محوری داشته است. به‌علاوه، در این مدت تاریخ معماری در حرفه نیز بسیار اثرگذار بوده است.

اولین مدرسهٔ معماری امریکا در سال ۱۸۶۵ در کنار چهار مدرسهٔ مهندسی دیگر (مهندسی عمران، مکانیک، معدن، شیمی) در مؤسسهٔ فناوری ماساچوست[۴۳]

(33) Thematic Approaches

(34) Canon

(35) Hugh Honour

(36) John Fleming

(37) Spiro Kostof

(38) David Watkin

(39) Patrick Nuttgens

(40) Leland Roth

(41) Hazel Conway

(42) Rowan Roenish

(43) Massachusetts Institute of Technology (MIT)

راه‌اندازی شد. این مدرسه با حضور مدرسان تحصیل‌کرده در پاریس، به روش بوزار اداره می‌شد. در آن زمان، درس تاریخ معماری به صورت مجزا وجود نداشت و این مبحث در کارگاههای طراحی معماری و مستقیماً در تعامل با آموزش طراحی معماری عرضه می‌شد.

در شیوهٔ جدیدی که گروپیوس[۴۴]، بعد از حضور خود در هاروارد[۴۵] در سال ۱۹۳۷، اتخاذ کرد، تمایل بر این بود که تاریخ معماری گذشته از تاریخ معماری امروزی جدا شود و نیز تاریخ معماری را معماران جوانِ باانگیزه تدریس کنند.

در سال ۱۹۳۸، هنگامی که میس وان‌در روهه[۴۶] رئیس دانشکدهٔ معماری مؤسسهٔ آرمور[۴۷] شیکاگو (صورت اولیهٔ انستیتو فناوری ایلینویز[۴۸]) شد، بر این موضوع تأکید کرد. او معتقد بود که دانشجویان گذشته را مطالعه می‌کنند که از اهمیت و بزرگی ارزشهای اصیل معماری آگاه شوند، تا از این راه بتوانند به ارزش تفکرات معماری خودشان پی ببرند. شیبیل موهوی نادْی (موهولی ناگی)[۴۹] نیز در جهت انفصال از تاریخ گذشته، معتقد است که توجه به شیوه‌های آموزشی تاریخ معماری به دانشجویان ما را با سه سؤال روبه‌رو می‌کند: چرا موضوعی را آموزشی دهیم که جامعهٔ حرفه‌ای آن را طرد کرده است؟ چه کسی را برای چنین تکلیفی مأمور کنیم؟ چگونه مشکلات پشت پردهٔ حاصل از عرضهٔ چهار واحد درسی پرادعایی را جواب‌گو باشیم که از مدتها قبل، از محتوای درسی جدا بوده است؟ بدین ترتیب، در آن زمان دروس تاریخ را معمولاً از دانشگاههای تاریخ هنر به عاریت می‌گرفتند، که در آنها نیز تاریخ معماری تنها بخشی کوچک از مباحث تاریخ هنر را تشکیل می‌داد.

البته این وضع ادامه نیافت و از حدود سالهای ۱۹۶۷ به بعد، به‌تدریج تاریخ معماری دوباره جایگاه خود را در مدارس معماری پیدا کرد. یکی از عوامل این تغییر آقای هنری میلون[۵۰] در مؤسسهٔ فناوری ماساچوست بود که در میان مدارس معماری کلاس درسی با عنوان تاریخ، تئوری، و نقد در معماری پایه‌گذاری کرد. تغییر دیگری که از همین سالها به بعد اتفاق افتاد، افزایش عدهٔ معماران مورخ و گسترش نقش آنان در مدارس معماری و رشد انجمنهای مورخان معماری در مدارس معماری بود. این تشکلها باعث توسعه و رشد دوره‌های تحصیلی تاریخ معماری در دانشگاههایی چون دانشگاه ویرجینیا شد. مهم‌ترین مشخصهٔ مدرسان تاریخ معماری در این دوره آموزش اولیهٔ آنان در رشتهٔ معماری بود. همهٔ آنان تحصیلات تخصصی در زمینهٔ تاریخ داشتند یا به‌نوعی از منتقدان تاریخ هنر بودند. فارغ از پیشینهٔ این مورخان، آنچه تقریباً میان همهٔ آنها مشترک بود، پرداختن به نقد محتوای مباحث تاریخ هنر بود که به‌تدریج در آن بحث وگفتگوی بیشتری هم شد. تاریخ هنر شامل مباحث نظری و تاریخی (سیر تحول تاریخی) بود و به نظر می‌رسید که دست‌کم دو زمینهٔ اصلی را، که مورد نیاز مباحث تاریخ معماری بود، کم داشت: یکی کاربردی بودن، یعنی مرتبط کردن موضوع تاریخ با مواد و مصالح، زمینه‌های اجتماعی و محصول نهایی آن؛ و دیگری بحث نقادانه راجع به موضوعات قدیم و جدید در معماری و هنرهای وابسته به آن که باید به‌نوعی در تاریخ معماری مطرح می‌شد. پیرو این تحرکات فکری، حتی مدارس سنتی نیز مطالعات نقادانه را با قوت دنبال کردند. تقریباً همه اعتقاد راسخ داشتند که باید به تاریخ و تئوری و نقد، همگی توجه شود.

در اینجا به هشت مدرسهٔ معماری کورنل،[۵۱] مؤسسهٔ فناوری ماساچوست، پنسیلوانیا،[۵۲] دانشگاه کالیفرنیا (برکلی)،[۵۳] پرینستون،[۵۴] ویرجینیا،[۵۵] هاروارد، و کلمبیا[۵۶] که نقش مهمی در ظهور و گسترش این تفکرات داشته‌اند با تفصیل بیشتری می‌پردازیم.

در سال ۱۹۶۱، گروه معماری دانشگاه کورنل تصمیم به برپایی دورهٔ کارشناسی ارشد و دکتری در رشتهٔ تاریخ گرفت که هدف از آن آموزش مورخان معماری خلاق و با استعداد و مولّد، با توان همکاری بسیار در زمینه‌های تحقیقات و آموزش در منطقه بود. بعدها، در حدود سال ۱۹۷۰، موضوع مرمت نیز به این برنامه اضافه شد. تا کنون ۳۴ دانشجوی دکتری از این مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

در سال ۱۹۶۷ با پیوستن روزالیند کراوس[۵۷] به وین اندرسن،[۵۸] مورخ هنر مؤسسهٔ فناوری ماساچوست، موضوع آموزش تاریخ معماری در این مؤسسه امتیاز و اعتباری بیشتر یافت. در این دوره، آموزش تاریخ هنر در دانشکدهٔ معماری با تاریخ معماری درآمیخته شد. گرچه آن دو فارغ‌التحصیل دانشکده‌های تاریخ هنر دانشگاههای

(44) Walter Gropius
(45) Harvard
(46) Ludwig Mies Van der Rohe
(47) Armour Institute
(48) Illinoise Institute of Technology (IIT)
(49) Sibyl Moholy-Nagy
(50) Henry Millon
(51) Cornell
(52) Pennsy-lvania
(53) University of California-Berkeley
(54) Princeton
(55) Virginia
(56) Columbia
(57) Rosalind Krauss
(58) Wayne V. Andersen

هاروارد و کلمبیا بودند؛ در توجه به موضوعات سیر تحول تاریخی، تئوری، و نقد در هنر و معماری وجوه مشترکی داشتند. در این مؤسسه، از سال ۱۹۷۴ دورهٔ دکتری در زمینهٔ تاریخ معماری و هنر (تاریخ، تئوری و نقد هنر، معماری و شکل محیط) پایه‌ریزی شد. در ضمن، برنامه‌های مشترک با دانشگاههای دیگر نیز برپا شد. از جمله می‌توان از ثبت نام مشترک دانشگاه‌های هاروارد و این مؤسسه در برنامهٔ آقاخان برای معماری یاد کرد. هم‌اکنون در حدود ۴۱ دانشجوی دکتری از این مؤسسه در زمینهٔ تاریخ معماری فارغ‌التحصیل شده‌اند. البته بیشتر آنها مدرک پایهٔ معماری داشته‌اند. بیشتر این فارغ‌التحصیلان در ایالات متحد مدرس‌اند؛ اما در کشورهای دیگر در سمتهای مهم دولتی خدمت می‌کنند.

در سال ۱۹۶۴، برنامهٔ دکتری معماری در دانشگاه پنسیلوانیا شکل گرفت. یکی از چهار موضوع آزمون ورودی به این دوره تاریخ و تئوری معماری بود. دیگر موضوعات مشتمل بود بر سازه، تأسیسات و طراحی معماری. در سال ۱۹۶۷، این چهار موضوع تنها به موضوع تاریخ و تئوری معماری، فارغ از گرایش دانشجویان، تقلیل پیدا کرد. به‌رغم این توجه چشم‌گیر، هیچ‌گاه برنامهٔ آموزشی مستقلی برای تاریخ معماری در این دانشگاه عرضه نشده است. از ۱۴۰ فارغ‌التحصیل دکتری از سال ۱۹۶۸ تا کنون، در حدود نیمی از آنان موضوعات مرتبط با تئوری و تاریخ معماری را انتخاب کرده‌اند.

از اواسط دههٔ ۱۹۶۰، در دانشکدهٔ معماری دانشگاه کالیفرنیا (برکلی) کالج جدید طراحی محیط تشکیل شد. قبل از کوستوف، مدتی نورما اِونسون[۵۹] ریاست دانشکده را بر عهده داشت. در همان سالها، گروه تاریخ دانشکدهٔ معماری پایه‌ریزی شد. برنامهٔ دکتری معماری نیز چند سال بعد آغاز شد. اعضای گروه تاریخ همه یا از غیرمعمارانی بودند که دکتری خود را از حوزه‌های جغرافیا یا مطالعات امریکا گرفته بودند، یا از مورخان هنری بودند که تخصصهایی در زمینهٔ معماری داشتند. از ۱۲۳ فارغ‌التحصیل دکتری از این دانشکده، ۳۶ نفر با موضوعات مرتبط با تاریخ فارغ‌التحصیل شده‌اند.

مدرسهٔ معماری پرینستون در سال ۱۹۱۹ به شکل بخشی از مدرسهٔ هنر و باستان‌شناسی، با ریاست مورخ باستان‌شناسی به نام هاوئرد کرازبی باتلر[۶۰] تأسیس شد. دوره‌های عمومی دکتری در این مدرسه قبل از برنامهٔ دکتری در تاریخ ایجاد شد. یکی از فارغ‌التحصیلان معروف این مدرسه چارلز مور[۶۱] است که با موضوع آب و معماری درجهٔ دکتری خود را از این مدرسه اخذ کرده است. برنامه‌های دکتری معماری در سه گرایش و با هدایت این مدرسان شکل گرفت: تاریخ و تئوری (ویدلر)[۶۲]، مطالعات اجتماعی (رابرت گوتمن)[۶۳]، و مطالعات تاریخ فناوری (رابرت مارک[۶۴] و دیوید بیلینگتن[۶۵]). به‌تدریج ویدلر با تیسوت[۶۶]، کالکوهون[۶۷] و کِنِت فرمپتن[۶۸] همکار شد. در این جمع، ویدلر معتقد به آزادی بیشتر انتخاب و فعالیت دانشجویان در طول تحصیل بود. این نظریه هنوز در این دانشگاه با نام خود او شهرت دارد. تا کنون در حدود بیست نفر در زمینهٔ تاریخ معماری از این مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

برنامهٔ معماری در دانشگاه ویرجینیا از سال ۱۹۱۹ آغاز شد؛ اما جهت‌گیری به سمت تاریخ با ایجاد مدرسهٔ معماری در حدود سالهای ۱۹۵۰ شروع شد. گروه تاریخ معماری با برنامه‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد در سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۴ تشکیل شد. بعدها در حدود سال ۱۹۸۹، دورهٔ دکتری در تاریخ معماری نیز برپا و سپس دورهٔ مرمت تاریخی هم به آن اضافه شد. هم‌اکنون هفت عضو تمام‌وقت هیئت علمی در گروه حضور دارند. در مطالعات تاریخی، گرایش به سمت معماری بومی و فرهنگی و نیز معماری مبتنی بر «معیار»های غرب یا شرق دور است. در جمع مدرسان، تنها استاد راهنمای مسئول مطالعات معماری شرق دور تخصص پایهٔ معماری دارد؛ بقیهٔ مدرسان تخصص پایهٔ معماری ندارند. هم‌اکنون در حدود سی دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشکده حضور دارند و در حدود چهارده دانشجوی دکتری فارغ‌التحصیل شده‌اند.

از حدود سال ۱۹۸۸ (یا حتی قبل از آن)، با حضور بِرنز[۶۹] در هاروارد به تاریخ معماری توجه شد. البته امروزه دکتری معماری تنها در سه گرایش معماری، فضای باز، و برنامه‌ریزی شهری در این دانشگاه عرضه می‌شود. همان‌گونه که قبلاً یاد شد، برنامه‌های مشترک هاروارد و مؤسسهٔ فناوری ماساچوست نیز در زمینهٔ تاریخ است. هم‌اکنون در این دانشگاه، محققان از معماری پیش از تاریخ تا معماری مدرن، با حدود هفتاددرصد

(59) Norma Evenson

(60) Howard Crosby Butler

(61) Charles Moore

(62) Vidler

(63) Robert Gutman

(64) Robert Mark

(65) David Billington

(66) Teyssot

(67) Colquhoun

(68) Kenneth Frampton

(69) Burns

دانشجوی دکتری که در زمینهٔ معماری قرن بیستم (بعد از جنگ جهانی دوم) کار می‌کنند حضور دارند. با توجه به ساختار برون‌سازمانی دانشگاه، دانشجویان دو استاد راهنما، یکی از خود مدرسه و یکی از بیرون دارند. این دو مدرّس، زمینه‌های اصلی و فرعی مطالعات دانشجو را با تعداد درسهای مساوی در هر زمینه طرح‌ریزی می‌کنند. با وجود گستردگی مطالعات خارج از دانشگاه، دانشجویان دکتری در هاروارد با برنامهٔ کارگاههای طراحی معماری دانشگاه خود قویاً مرتبط‌اند.

دانشگاه کلمبیا با آنکه کتابخانهٔ معماری بی‌رقیب ایوری[۷۰] را در اختیار داشت و از مدتها پیش، برنامهٔ آموزش مرمت آثار تاریخی در مدرسهٔ معماری آن اجرا می‌شد، برنامهٔ دکتری در تاریخ معماری را بسیار دیر آغاز کرد. شاید بخشی از این موضوع به علت همسایهٔ قوی حاضر در کنار مدرسه، یعنی گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر، بوده باشد. البته عاقبت در سال ۱۹۹۴، برنامهٔ دکتری در معماری مدرن را مورخان معروفی چون فرمپتن، مک‌لاود،[۷۱] و گوئندولین رایت[۷۲] در مدرسهٔ معماری آغاز کردند. این برنامه ارتباط قوی و محکمی با دیگر بخشهای دانشکده، خصوصاً کارگاههای طراحی معماری، و همچنین رابطهٔ متقابل مناسبی با گروه تاریخ هنر و باستان‌شناسی دارد. سالیانه دو دانشجوی دکتری جذب این دوره می‌شوند، اما این دوره تا به حال فارغ‌التحصیل نداشته است.

با توجه به آنچه ذکر شد، شاید بتوان به این نتایج موردی دربارهٔ آموزش تاریخ معماری در ایالات متحد امریکا رسید: برنامه‌های تاریخ معماری در ایالات متحد عمدتاً به واسطهٔ رویدادی خاص یا توجه موردی برخی از اعضای برجستهٔ هیئت علمی دانشکده‌ها شکل گرفته است. محور اصلی برنامه‌ها را گاه معمارانی در دست دارند که دارای درجات متعارف علمی در تاریخ معماری یا تاریخ هنر نیستند. تاریخ هنر گاه جداگانه در دوره‌های جنبی، و گاه در داخل برنامه‌های آموزشی عرضه می‌شود. معماری بومی و موضوع فرهنگ در بعضی برنامه‌ها دنبال می‌شود. گاهی به فرهنگهای غیرغربی مهم نیز در برخی از برنامه‌های فرعی توجه می‌شود. در همهٔ موارد، دانشکده‌ها مسئول تأمین مواد درسی تاریخی مورد نیاز در آموزش و تمرینهای معماری بوده‌اند؛ اما ارتباط آنها با کارگاه طراحی معماری به شیوه‌های مختلف برقرار می‌شود. شیوهٔ ارتباط مناسب تاریخ معماری با آموزش و تمرینهای معماری هنوز از موضوعهای مورد بحث است. حتی در مواردی که مورخان با کارگاه طراحی معماری مرتبط‌اند، فعالیتهای تحقیقاتی ایشان در زمینهٔ تاریخ با همکارانی ارتباط دارد که در این رشته فعالیت می‌کنند؛ مثلاً فعالان در گروه تاریخ. امروزه به نظر می‌رسد که آموزش تاریخ معماری در ایالات متحد، دیگر همچون خدماتی نیست که استادان دیگر گروهها جداگانه عرضه کنند.

(70) Avery Index

آموزش تاریخ معماری در بلژیک و هلند[۱۶]

تفاوت آموزش معماری در کشورهای بلژیک و هلند به‌قدری است که شاید بتوان آنها را به مثابهٔ دو الگوی آموزش متفاوت تلقی کرد. هر دو کشور در آموزش معماری دیدگاه بین‌المللی دارند؛ اما فرهنگ حاکم در بلژیک تغییرات نظام آموزشی را کندتر، ولی با دقت بیشتر صورت می‌دهد.

(71) Mary McLeod

(72) Gwendolyn Wright

مدارس معماری در بلژیک و هلند تاریخچهٔ متفاوتی دارند؛ و همین، دیدگاهها و محتوای آموزشی متفاوتی پدید آورده است. دوره‌های آموزش معماری در هر دو کشور، هم در دانشگاهها و هم در مدارس غیردانشگاهی وجود دارد. در هلند رشتهٔ معماری فقط در دانشکده‌های معماری دو دانشگاه فنی مهم دلفت[۷۳] و ائینتهوون[۷۴] تدریس می‌شود. البته دانشگاههای فنی نیز به تربیت مهندسان معماری، همچون دیگر رشته‌های مهندسی، می‌پردازند. برعکس، در بلژیک، در دانشکده‌های مهندسی مستقر در دانشگاهها، همهٔ رشته‌های مهندسی، از جمله رشتهٔ معماری، را تدریس می‌کنند. هر دو کشور مدارس معماری غیر دانشگاهی نیز دارند. در هلند به آنها «آکادمی» می‌گویند. در این مراکز، آموزش به صورت نیمه‌وقت (دو روز در هفته به مدت پنج سال) برای کسانی که در دفترهای معماری فعالیت می‌کنند انجام می‌شود. آموزش نیمه‌وقت در بلژیک روزانه و به مدت پنج سال است. غیر از مدارس معماری مزبور در هر دو کشور، در برخی از دانشکده‌های تاریخ هنر در دانشگاههای بزرگ نیز درس تاریخ معماری می‌دهند. در بیشتر دانشگاهها، دانشکده‌های تاریخ هنر و معماری جدا از هم فعالیت

(73) Delft

(74) Eindhoven

می‌کنند. البته دروس اختیاری مشترک بین آنها وجود دارد. نکتهٔ جالب دربارهٔ مدرسان تاریخ معماری این است که این مدرسان در دانشکده‌های تاریخ هنر بیشتر مورخ هنرند؛ اما مدرسان تاریخ معماری که در دانشکده‌های معماری یا در مدارس معماری غیردانشگاهی تدریس می‌کنند، بیشتر کسانی‌اند که تخصص یا دکتری در تاریخ معماری دارند.

مدت تحصیل معماری که قبلاً دو سال پایه و سه سال انتهایی بود، در حال حاضر به سه سال پایه و دو سال انتهایی تغییر کرده، تا از این راه، با قوانین جدید آموزش دانشگاهی هماهنگ، و جابه‌جایی دانشجویان و همکاری بین دانشگاهها ممکن شود.

آموزش تاریخ معماری در کشورهای بلژیک و هلند دو تفاوت مهم دارد: تفاوت اول اینکه در بلژیک مباحث تاریخ معماری استقلال بیشتری دارد و جدا از کارگاههای طراحی معماری عرضه می‌شود؛ اما در هلند، بیشتر می‌کوشند دروس تاریخ معماری در تعامل بیشتر با کارگاههای طراحی معماری عرضه کنند. البته اساس این فکر در هلند طراحی روش آموزشی‌ای به نام «آموزش پروژه‌ای»[۷۵] مبتنی بر آموزش «مسئله‌مدار»[۷۶] بوده که از دانشگاه دلفت آغاز شده است. گرایش در دانشگاه ائینتهوون نیز آموزش تاریخ معماری در تعامل با کارگاههای طراحی معماری است؛ اما اصولاً در این دانشگاه به مسائل عملکردی و فنی ساختمان بیشتر توجه می‌شود. به همین علت، دانشجویان معماری در هلند معمولاً با کمبود آموزش تاریخ معماری مواجه‌اند و بیشتر مدرسان نیز از این وضع ناراضی‌اند. برای حل این مشکل، می‌کوشند تا دروسی چون برداشت را به صورت درس مستقل از کارگاه طراحی معماری عرضه کنند. به این ترتیب، در هلند تاریخ معماری را موضوعی تکمیلی در کنار آموزش معماری تلقی می‌کنند و قصد برنامه‌ریزان توجه به تاریخ معماری به مثابهٔ موضوعی اطلاعاتی و ابزاری در کنار طراحی معماری است. اما در بلژیک، روش سنتی با این نگرش است که دروس آموزش تاریخ معماری مجزا از کارگاه طراحی معماری باشد. در این روش، امید می‌رود که دانشجویان بتوانند زمانی خودشان میان نظر و عمل ارتباط برقرار کنند. بنا بر این، در بلژیک محتوای آموزش تاریخ معماری دو یا سه‌برابر بیشتر از هلند است. همچنین در دانشگاه‌های بلژیک، عرضهٔ دروسی بسیار متنوع‌تر در زمینهٔ تاریخ معماری ممکن است.

تفاوت دوم آموزش تاریخ معماری در کشورهای بلژیک و هلند این است که در محتوای آموزش تاریخ معماری در بلژیک مجموعه‌ای از دروس تئوری معماری نیز به چشم می‌خورد؛ در حالی‌که در کشور هلند این‌گونه نیست. وجود مباحث تئوری معماری در آموزش تاریخ معماری در بلژیک و نبودن این مباحث در برنامه‌های آموزشی هلند شاید به همان علت فرهنگ سنتی آموزش معماری در بلژیک باشد که هنوز شیوهٔ آموزش بوزار در دانشکده‌های معماری این کشور باقی مانده است. البته اینکه تئوری معماری دقیقاً چه معنایی دارد باعث ایجاد تفاوتهایی در محتوای درسی مدارس مختلف شده است؛ اما معمولاً مبتنی است بر بحث راجع به معماری بر اساس متون و بناها که عمدتاً مبتنی بر روش موضوعی است تا سیر تحول معماری. مثلاً بحث دربارهٔ پدیده‌های جدیدی چون پست‌مدرنیزم و دیکانستراکتیویسم[۷۷] یا مفاهیم شهری آلدو روسی[۷۸] یا رم کولهاوس[۷۹] در بلژیک در دروس تئوری معماری گنجانده می‌شود. در هلند، این تفکیک ضابطه‌مند میان تئوری و تاریخ وجود ندارد؛ و این بدان معناست که مباحث تاریخ، نظریه‌های معماری را نیز فرامی‌گیرد. در این‌صورت، مباحث تاریخ معماری بیشتر به قرن بیستم و نیز تا حدودی قرن نوزدهم متوجه است تا دوره‌های پیش‌تر.

از کتبی که بیشتر به آن مراجعه می‌کنند *تاریخ معماری غرب*[۱۷] از دیوید واتکین[۸۰] است که به زبان هلندی نیز ترجمه شده است. به‌علاوه کتابهای *تاریخ معماری: رنسانس، باروک، و کلاسیسیسم*[۱۸] از ژان کاستکس[۸۱] و *معماری مدرن*[۱۹] از کنت فرمپتن نیز طرفداران بسیاری دارد. در بلژیک، موضوع تاریخ معماری بومی بلژیک در قرون نوزدهم و بیستم در بسیاری از دروس مطرح می‌شود. در دانشگاههای لوون،[۸۲] خنت،[۸۳] و بروسل[۸۴] موضوعات تاریخ معماری، تئوری معماری، تاریخ شهر، و نقد معماری جداگانه تدریس می‌شود. به معماری قبل از سال ۱۸۰۰ در کشورهای غیرپیشرفته[۸۵] نیز به‌ندرت توجه می‌کنند. در کل، در هلند بیشترین مباحث تئوری معماری از معماری مدرن سرچشمه می‌گیرد؛

(75) Project Education

(76) Problem-based Learning

(77) De-constructivism

(78) Aldo Rossi

(79) Rem Koolhaas

(80) David Watkin

(81) Jean Castex

(82) Leuven/ Louvain

(83) Gent

(84) Brussels

(85) Low Countries

مثلاً نظریات تاریخ معماری مانفرد تافوری در کنار نویسندگانی چون گیدئون[۸۶] و پوزنر برای دانشجویان مطرح می‌شود، تا معلوم گردد که تنها یک سنت و روش در نگاه به تاریخ معماری وجود ندارد، بلکه چندین شیوه و نگاه قابل تأمل است. البته بحثهای جدی دربارهٔ این مقابله در دروس پیشرفته‌تر مطرح می‌شود.

هیچ‌یک از مؤسسات مورد مطالعه به صورت روشمند به موضوع معماری غیرغربی (یعنی معماری غیراروپا و شمال امریکا) در زمرهٔ تاریخ معماری جهان توجه نمی‌کنند. فقط گاهی، بسته به علاقه مدرسان، بخشی از معماری دیگر نقاط جهان مطرح می‌شود. در برخی از رساله‌های کارشناسی ارشد یا دکتری هم به معماری مناطق دیگر جهان توجه می‌شود؛ ولی هنوز نتیجهٔ این تحقیقات به منزلهٔ دانش تخصصی وارد محتوای درسی نشده است.

به موضوعات اقتصادی و اجتماعی مرتبط با تاریخ معماری، به علت کم بودن زمان آموزش، به‌ندرت توجه کافی می‌شود. پیرو این ادعای کوستوف که مهندسی و معماری، معماری و ساختمان، و معماری و توسعهٔ متمرکز از هم جدا نیست، بسیاری از مورخان معماری هلند و بلژیک توجه خود را به معماری غیربومی معطوف کرده‌اند و بقیهٔ ماجرا را به متخصصان فن مرمت و احیا سپرده‌اند.

در هلند و بلژیک در پرداختن به تاریخ معماری، از اصطلاح تحلیل کامل ساختمان در محل (یا شاید برداشت)، که معمولاً با تاریخ معماری مترادف است، به‌ندرت استفاده می‌شود. به همین ترتیب، به تاریخ فن ساختمان نیز فقط در دانشگاه خرونینگن[۸۷] تا حدودی توجه شده است. تاریخ ساختمان در دلفت نیز جزو دروسی است که نسبتاً کم به آن توجه شده است. به‌رغم اهمیت موضوع مرمت در بلژیک، در این کشور چندان توجهی به آموزش تاریخ ساختمان (یا تاریخ فن ساختمان) نمی‌شود؛ گرچه مرمت معماری معمولاً جزو محتوای درسی رسمی در بلژیک است.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به معماری به غنای محتوای دروس تاریخ و کارگاههای طراحی معماری کمک می‌کند. یکی از پروژه‌های تعریف شده در این زمینه، پروژهٔ دینامو[۸۸] است که به جمع‌آوری اطلاعات معماری معاصر اختصاص دارد. اطلاعات در این پروژه شامل برداشت و بررسی بناهاست، که معمولاً دانشجویان بلژیکی در طول تحصیل تهیه و گردآوری می‌کنند و بعداً به صورت مقاله و یا کتاب به چاپ می‌رسد.

(86) Giedion

شیوهٔ ارزیابی فعالیت دانشجویان در بلژیک، عمدتاً براساس امتحان شفاهی است. البته برخی از دانشگاهها امتحان کتبی برگزار می‌کنند. به علاوه، نقد بنا با استفاده از تصاویر و نقشه‌هایی که دانشجویان عرضه می‌کنند نیز تاکنون جزو شیوه‌های ارزیابی بوده است. برعکس، در هلند ارزیابیها عمدتاً براساس امتحان کتبی است. گزارشها و تفسیرهای نوشتاری نیز در دروس سطوح بالاتر تکلیف محسوب می‌شود. در هر دو کشور، تحقیق در زمینهٔ تاریخ معماری را می‌توان موضوع رسالهٔ کارشناسی ارشد اختیار کرد. شایان ذکر است که در هلند، شرط لازم برای ورود به حرفهٔ معماری این است که موضوع طرح نهایی دانشجویانْ طرّاحی معماری باشد. به همین سبب، بیشتر دانشجویانْ موضوع طراحی معماری را برای طرح نهایی انتخاب می‌کنند. سخن آخر اینکه همچنان، توجه محدود به تاریخ معماری در هلند عیبی اساسی در آموزش معماری این کشور به شمار می‌رود.

آموزش تاریخ معماری در ژاپن[۲۰]

در ژاپن، به علت اهمیتی که در دوران تحصیل، از دورهٔ ابتدایی تا متوسطه، به تاریخ می‌دهند و همین‌طور به علت توجه نسبتاً وسیع تلویزیون و دیگر رسانه‌های جمعی به این مقوله، به تاریخ معماری توجه بسیاری می‌شود؛ اما آموزش تخصصی در زمینهٔ تاریخ معماری تنها در برخی از مؤسسات صورت می‌گیرد. این موضوع عمدتاً در دانشکده‌های معماری تدریس می‌گردد. در واقع، در این کشور موضوعاتی چون تاریخ معماری، باستان‌شناسی، تاریخ هنر، طراحی فضای باز، و مطالعات شهری معمولاً در دانشکده‌های مجزا تدریس می‌شود.

(87) Groningen

ارتباط نزدیک تاریخ معماری با حرفهٔ معماری به روزهای نخستین پدید آمدن آموزش دانشگاهی در رشتهٔ معماری بازمی‌گردد. اولین کالج مهندسی، که بعدها دانشگاه توکیو نامیده شد، در سال ۱۸۷۳ تأسیس شد و چهار سال بعد برنامهٔ معماری در این کالج را معمار جوان انگلیسی‌ای به نام جوسایا کاندر[۸۹] برپا کرد. اولین دانشجویان این

(88) Dynamo

(89) Josiah Conder (1852-1920)

مدرسه تنها تاریخ معماری غربی (گوتیک، نئوکلاسیک، و دیگر سبکهای مشهور غربی) را فرامی‌گرفتند. از کتبی که کاندر در این زمینه معرفی می‌کرد *تاریخ معماری در همهٔ کشورها: از قدیم تا امروز*[۲۱]، نوشتهٔ جیمز فرگسن[۹۰] بود. هدف این مدرسه نیز آماده کردن دانشجویان ژاپنی برای طراحی ساختمانهایی با سبک معماری غربی و با استفاده از فناوریهای مدرن ساختمان‌سازی آن زمان بود. اما عاقبت در سال ۱۸۸۹، درسی کامل دربارهٔ معماری ژاپن به برنامهٔ آموزش معماری این دانشگاه اضافه شد. این درس را نجار ساختمان‌سازی به نام کیگو کیویوشی[۹۱] تدریس می‌کرد، که آموزش تجربی و عملی در زمینهٔ ساختمان‌سازی داشت. البته او بیشتر به فنون ساختمان توجه داشت تا تاریخ معماری. از همان زمانها هم اولین فارغ‌التحصیلان معماری وارد بازار کار شدند، که از میان آنها می‌توان ایتو چوتا[۹۲] را نام برد، که مقاله‌ای دربارهٔ معبد بودایی هوریوجی[۹۳] (ساختهٔ قرن هفدهم) منتشر کرد. این از اولین نمونه‌های توجه و عرضهٔ تاریخ معماری ژاپن به زبان مدرن بود، که در ضمن باعث شد ایتو در مقام مورخ مشهور معماری تا پایان عمر فعالیت کند. او در کلاسها و سفرهای علمی با دانشجویان و در بازدید از آثار معماری، به اهمیت معماری ژاپنی اشاره می‌کرد. ایتو روشهای تاریخ معماری غرب را به کار گرفت تا تجربهٔ تاریخ معماری ژاپنی را همچون فصلی به تاریخ معماری جهان بیفزاید. ایتو به این هم بسنده نکرد و از صور معماری قبل از مدرن ژاپن در معماری معاصر این کشور استفاده کرد و آنها را در طراحیهای معماری خود، همچون تالار یادبود زلزلهٔ بزرگ کانتو[۹۴] (۱۹۲۷)، به کار برد. او به نظریه‌های خود با عرضهٔ طرحهای معماری جامهٔ عمل می‌پوشاند. ایتو در رواج تفکر معماری بومی و ارتباط بخشیدن آن با معماری امروز ژاپن نقش بسیار مؤثری داشت؛ زیرا در بهترین، و به عبارتی معتبرترین، مدرسهٔ معماری ژاپن تدریس می‌کرد و به‌علاوه معمولاً در مقام داور ارشد در همهٔ مسابقات معماری مهم ژاپن حضور داشت.

توجه به معماری ژاپنی و تحقیق در آن و مرتبط ساختن آن با معماری مدرن ژاپن در مدت جنگ جهانی نیز، به‌رغم محدودیت فعالیتهای اجرایی در آن زمان، ادامه یافت و در میان معماران نیز به لحاظ فرهنگی مورد توجه قرار گرفت. از این معماران، می‌توان از تانگه کنزو[۹۵] یاد کرد، که فعالیت حرفه‌ای خود را در طول جنگ کنار گذاشت و به چاپ کتاب و مقاله دربارهٔ بناهای مهم ژاپن، همچون قصر کاتسورا[۹۶] و معابد شینتو[۹۷]، پرداخت. کنزو تانگه، که در دانشگاه توکیو تاریخ معماری خوانده بود، در طول جنگ طرحهای معماری به سبک ملی ژاپنی عرضه کرد. بعد از جنگ، که ملی‌گرایی افراطی تا حدودی مذمت می‌شد، او سعی کرد با مقاله و سخنرانی، طرحهای خود را به تاریخ ژاپن مرتبط کند. این مطلب همهٔ خوانندگان کتب و مقاله‌های داخلی و خارجی وی را راضی می‌کرد. در ادامهٔ این دوره و از حدود سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، شاگردان کنزو تانگه، همچون ایسوزاکی آراتا[۹۸] و کوروکاوا کیشو[۹۹]، از سردمداران سبک پست‌مدرنیزم ژاپن شدند.

امروزه در بیش از یک‌صد مؤسسه در ژاپن، از دانشگاههای بزرگ و کوچک گرفته تا مدارس عالی فنی، تاریخ معماری و تاریخ طراحی و تاریخ طراحی شهری تدریس می‌شود. این مؤسسات بسیار گوناگون‌اند، اما محتوای دروس دورهٔ کارشناسی در آنها تقریباً یکسان است. از میان دروس رسمی، می‌توان به تاریخ معماری غرب، تاریخ معماری ژاپن، معماری مدرن جهان و ژاپن، و تاریخ طراحی و شهرسازی اشاره کرد. گاهی محتوای دروس شامل معماری چین و هندوستان و جنوب آسیا نیز می‌شود، اما معمولاً تدریس این مباحث در دورهٔ کارشناسی نامتعارف است. معماری غرب و ژاپن پیش از دوران مدرن معمولاً جداگانه تدریس می‌شود. مباحث تاریخ معماری پیش از دوران مدرن معمولاً با دوران گذشتهٔ خاور نزدیک تا حدود قرون هیجدهم و نوزدهم و تاریخ معماری ژاپن از دوران باستان تا پایان دورهٔ ادو[۱۰۰] (۱۸۶۸–۱۶۱۵) در میانهٔ قرن نوزدهم خاتمه می‌یابد. محتوای معماری مدرن معمولاً ترکیبی از معماری غربی و ژاپنی است. این امر شاید ناشی از یکی از خصوصیات مهم معماری ژاپن در دوران معاصر باشد، که همانا برقراری ارتباط بیشتر حرفهٔ معماری با نقاط مختلف جهان است.

کتب مورد استفادهٔ مدرسان متفاوت است. البته در طی چندین دهه، مجموعه کتابهای *راهنمای تاریخی* (با تصاویر و نقشه) که مؤسسهٔ معماری ژاپن[۱۰۱] تهیه

(90) James Fergusson

(91) Kigo Kiyoyoshi (1845-1907)

(92) Ito Chūta (1867-1954)

(93) Horyūji

(94) Kanto

(95) Tange Kenzo (b. 1913)

(96) Katsura

(97) Shinto

(98) Isozaki Arata (b. 1931)

(99) Kurokawa Kisho (b. 1934)

(100) Edo Period

(101) Architectural Institute of Japan

کرده بود، از منابع اصلی تاریخ معماری به شمار می‌رفت. مجلدات این مجموعه هم که دارای سه بخش کلی ژاپن، معماری غربی، و معماری مدرن بود، تا حدودی بر برنامهٔ کلاسهای درس انطباق داشت. این کتاب غیر از تصاویر سیاه‌وسفید و نقشه، توضیحاتی کلی دربارهٔ اوضاع و احوال ساخت‌وساز، سازه، یا خصوصیات سبک طرحهای مختلف داشت. ویژگی مهم این کتاب نداشتن توضیحات زیاد بود، که باعث می‌شد مدرسان بتوانند به سلیقهٔ خود مراجع مکمل را نیز معرفی کنند. از دیگر کتابهای مورد استفاده می‌توان به اینها اشاره کرد: *معماری مدرن ژاپن*،[۲۲] نوشتهٔ فوجیموری ترونوبو[۱۰۲]؛ *معماری اوایل مدرن و مدرن*،[۲۳] ویراستهٔ هیرویوکی سوزوکی[۱۰۳] و هیروشی یاماگوچی[۱۰۴]؛ و *معماری ژاپنی*،[۲۴] نوشتهٔ هیروتارو اوتا[۱۰۵]، که این آخری دربارهٔ معماری قبل از دوران مدرن است. از دیگر کتابهای مورد استفاده در معماری غربی، *تاریخ معماری*،[۲۵] نوشتهٔ کوستوف؛ *فضا، زمان، و معماری*،[۲۶] از گیدئون؛ و *معماری مدرن*،[۲۷] نوشتهٔ فرمپتن است، که همگی به زبان ژاپنی ترجمه شده‌اند. با توجه به تنوع یادشده، در کلاسهای تاریخ معماری در ژاپن ممکن است هم‌زمان از معماران و متفکران مختلفی از جهان گذشته تا امروز، همچون ویتروویوس،[۱۰۶] رولان بارت،[۱۰۷] کریستیان نوربرگ‌ـ شولتس،[۱۰۸] ژاک دریدا،[۱۰۹] یا سوزوکی دائیستسو[۱۱۰] یاد شود.

معماری بومی ژاپنی از موضوعات مهم بسیاری از کتب معماری ژاپنی است. چایخانه‌ها و مراکز خدمات تجاری زمان اِدو، نمایش‌خانه‌ها و خانه‌های کشاورزی همه در این کتابها به‌خوبی عرضه می‌شود. در این میان، به خانه‌های کشاورزی، که به لحاظ تاریخی و معنوی و فرهنگی در ژاپن اهمیت دارد، توجه بسیار می‌شود. این خانه‌ها همیشه به مثابهٔ هویت فرهنگی تاریخ معماری ژاپن در مقابل کشورهای غربی یا چین مطرح شده است.

تا این اواخر، آموزش تاریخ معماری در دورهٔ کارشناسی برنامه‌ای نسبتاً ثابت داشت و بیشتر به جنبه‌های عمومی می‌پرداخت. اما آموزش تاریخ معماری در دورهٔ کارشناسی ارشد بسیار متغیر است. دانشجویان کارشناسی ارشد گاه در تمرین برداشت با دانشجویان دورهٔ کارشناسی همراه می‌شوند؛ اما سمینار و تحقیق محور اصلی برنامهٔ ایشان است. البته موضوعات تحقیق و سمینار در هر مؤسسه، با توجه به مقطع زمانی و اهمیت مورد نظر هر دانشکده، متفاوت است.

در ژاپن، فقط در چهار دانشکدهٔ معماری دکتری در رشتهٔ تاریخ معماری عرضه می‌شود: دانشگاه توکیو، مؤسسهٔ فناوری توکیو،[۱۱۱] دانشگاه کیوتو، و دانشگاه واسدا[۱۱۲]. هر سال تقریباً چهار دانشجوی دکتری تاریخ از این دانشگاهها فارغ‌التحصیل می‌شوند. این تعداد کم، جواب‌گوی نیازهای حدود صد برنامهٔ آموزشی موجود نیست. معمولاً برای رفع این کمبود از متخصصان دیگر زمینه‌های مرتبط دعوت به همکاری می‌کنند. در ژاپن، تاریخ معماری جزئی از برنامه‌ای روشمند در آموزش طراحی معماری و تربیت معماران آینده شناخته می‌شود و تدریس در این مبحث، ارتباط مستقیم با حرفهٔ معماری دارد. گرچه مورخان معماری با همکاران خود در رشته‌های دیگر، چون تاریخ هنر، در ارتباط‌اند؛ تدریس تاریخ معماری به دست اعضای این گروهها کمتر اتفاق می‌افتد.

همان‌گونه که ذکر شد، موضوعات تاریخ معماری دورهٔ کارشناسی در ژاپن تا این اواخر ثابت بود و معمولاً شامل موضوعاتی چون سبکهای معماری، ظهور و رشد فناوری ساختمان، و کاربرد و اهمیت اجتماعی معماری بود؛ اما تدریس تاریخ معماری در ژاپن در حال تغییر و تحول است. موضوعات تاریخ معماری در حال گسترش و هدایت به سوی موضوعات جدید (خارج از کشور ژاپن و معماری دیگر کشورها همچون کشورهای آسیا، افریقا، و امریکای لاتین) است. همچنین موانع موجود بر سر راه ارتباط میان مؤسساتْ کم‌کم در حال برچیده شدن است. مورخان معماری به سوی علوم اجتماعی و دیگر علوم گرایش جدی دارند و این گرایش کم‌کم به آموزش نیز راه یافته است. به همین ترتیب، مورخان هنر، منتقدان فرهنگی، و دیگر صاحب‌نظران نیز راه خود را به تاریخ معماری باز می‌کنند؛ و این باعث تغییر مسیر تاریخ معماری خواهد شد. برای برخی از دانشجویان، تأثیر تاریخ معماری محدود به استفاده کردن یا نکردن از برخی صورتها یا سبکهاست؛ اما برخی دیگر از دانشجویان از ابتدای تحصیل تأثیر آموزش تاریخ معماری را درک می‌کنند و این تأثیر همیشه در فعالیتهایشان به چشم می‌خورد. مهم‌ترین رویداد در آموزش تاریخ معماری

(102) Fujimori Terunobu

(103) Suzuki Hiroyuki

(104) Yamaguchi Hiroshi

(105) Ota Hirotaro

(106) Vitruvius

(107) Roland Barthes

(108) Christian Norberg-Schulz

(109) Jaques Derrida

(110) Suzuki Daisetsu

(111) Tokyo Institute of Technology

(112) Waseda

ژاپن برقراری ارتباط با دیگر نقاط دنیا است، که ژاپنیها به‌جد پی‌گیری می‌کنند.

آموزش تاریخ معماری در فرانسه[۲۸]

از حدود ۳۵ سال پیش که دانشجویان معماری روش بوزار را زیر سؤال بردند، وضع آموزش تاریخ معماری در فرانسه دچار تحولات بسیاری شده است. در سال ۱۹۶۸، فقط اندکی از مورخان هنر با مطالعات معماری آشنا بودند، آموزش تاریخ معماری در کارگاههای طراحی معماری به معماران اختصاص داشت، و به‌ندرت محلی برای تفکر خلاقانه بود. اما سی سال بعد، در جشن سالیانهٔ انجمن تاریخ معماری فرانسه، تعداد مورخان معماری عضو انجمن به حدود صد نفر رسید. هم‌اکنون (سال ۲۰۰۲)، تعداد اعضا به حدود دوبرابر رسیده است. در این مدت، نگرش به آموزش معماری در مدارس معماری بسیار متنوع شده؛ و این نه فقط در آموزش طراحی معماری، بلکه در نقش تاریخ معماری در آموزش طراحی معماری نیز مطرح شده است.

برخی از مدارس فرانسه که در آموزش تاریخ معماری سابقه‌ای طولانی دارند، رهبری تفکر و رویکرد در شیوهٔ آموزش این درس را برای مدارس کوچک‌تر به عهده دارند. معماری در فرانسه در مدارس معماری (جدا از دانشگاهها) آموزش داده می‌شود؛ اما از آنجا که ادامهٔ تحصیل تا مقطع دکتری در دانشگاهها میسر است، در سالهای اخیر همکاری بین مدارس معماری و دانشگاهها برای عرضهٔ دوره‌های دکتری آغاز شده است. با شروع این همکاری، نقش دانشکده‌های تاریخ هنر که قبلاً به مدارس معماری خدمات می‌کردند کمتر شده است. مثلاً تافوری شیوه‌ای از آموزش تاریخ معماری را در مدرسهٔ معماری بلویل[۱۱۳] عرضه کرده است که در آن از مطالعات علوم اجتماعی و شکل‌شناسی و حجم‌شناسی استفاده می‌شود. در مدارس دیگر نیز از این شیوه استقبال شده است. کارگروه تحقیق و توسعهٔ معماری[۱۱۴] هم در جهت همین گرایش تشکیل شد، که نزدیک به دو دهه، بودجهٔ دولتی را به تحقیق و انتشار متون معماری اختصاص می‌داد. جمع این اتفاقات باعث شد که بسیاری از معماران به سوی تحقیق در زمینهٔ تاریخ معماری حرکت کنند؛ زیرا اصولاً اندکی از آنان مورخ بودند. لذا در این دوران، به همان اندازه که به موضوع طراحی معماری اهمیت داده می‌شد، به مسائل مربوط به تاریخ معماری نیز توجه می‌شد.

امروزه بسیاری از مدرسان تاریخ معماری مدرک معماری و تخصص دکتری در زمینهٔ تاریخ یا شهرسازی دارند. این هماهنگی میان مدارس معماری و دانشگاهها برای تدوین دوره‌های دکتری به مراحل جدیدی هم رسیده است؛ از جمله امکان جذب بودجه‌های میراث فرهنگی با توجه به وضع غیرمتمرکز این مؤسسات. علاوه بر آن، باید شاهد تغییرات جدیدی هم باشیم که از نگاه مثبت فرانسه به ارتباطات خارجی برای دریافت شیوه‌های جدید آموزشی، جذب دانشجویان برون‌مرزی، و موضوعات جدید تحقیق ناشی شده است.

در روندی تاریخی در مجموعهٔ دانشگاهی فرانسه، آموزش تاریخ معماری از دانشکده‌های تاریخ هنر آغاز شده، که خود قبلاً از دانشکده‌های تاریخ جدا شده‌اند. درس تاریخ هنر در دانشگاههای پاریس۱ و پاریس۴، که از همه نظر با یکدیگر متفاوت‌اند، به صورت کامل، ولی تاریخ معماری عمدتاً در دوره‌های کارشناسی ارشد تدریس می‌شود؛ البته تعدادی دروس مرتبط با تاریخ معماری در سال اول دورهٔ کارشناسی نیز تدریس می‌شود. دورهٔ کارشناسی ارشد تاریخ معماری در دانشگاه پاریس۱ تنها دوره‌ای است که در آن، تاریخ معماری به صورت موضوعی مجزا مطرح می‌شود. تا این اواخر، در این دانشگاه مجموعه‌ای از دروس ابتکاری در زمینهٔ تاریخ ساخت‌وساز نیز تدریس می‌شد، که نگرشی متفاوت به آموزش تاریخ معماری، جدا از مطالبی چون تاریخ هنر قدیم و جدید، داشت.

در دیگر مؤسسات آموزشی، به جای تاریخ سبکها موضوعات متنوعی چون تاریخ فناوری، برنامه‌ریزی منابع و تاریخ حرفه تدریس می‌شود. اینها نشانه‌های تغییرات آموزش تاریخ معماری در فرانسه است. اما برخلاف دانشگاه پاریس۱، در دانشگاه پاریس۴ تلاشهای بسیاری می‌شود تا موضوع تاریخ معماری در تاریخ هنر گنجانده شود؛ با این عقیده که معماری جزئی از فرهنگ هنری کلان خود است. در این دانشگاه نیز در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، رساله‌های مرتبط با معماری بومی وجود دارد.

(113) Belleville

(114) Comité de la Recherche et du Developpment en Architecture (CORDA)

دانشکده‌های تاریخ هنر به شیوهٔ سنتی عمدتاً به تاریخ سبکها و آثار اصلی معماری می‌پردازند؛ اما برنامه‌های جدید نیز در حال شکل‌گیری است. از مهم‌ترین آنها برنامهٔ جدید دانشگاهی برای تربیت متخصصان مرمت و مدیریت آثار باستانی است؛ گرچه این موضوع فعلاً تنها در سطح کارشناسی ارشد مطرح است.

بیشترین مدرسان تاریخ معماری را در مدارس معماری می‌توان یافت، نه در دانشگاهها. البته این مدرسان شیوه‌های متفاوتی برای آموزش تاریخ معماری دارند. در گذشته، معماران در مدارس تاریخ معماری تدریس می‌کردند؛ اما امروزه مورخان هنر با مدرک دکتری تاریخ معماری تدریس می‌کنند؛ البته مورخانی که آموزش معماری دیده‌اند ارجح‌اند. این موضوع باعث گسترش تحقیقات گوناگون در این زمینه شده است. در ایالات متحد امریکا این‌گونه نیست و اکثر مدرسان تاریخ معماری مدرک دکتری تاریخ معماری یا هنر از مدارس معماری دارند. این امکان در فرانسه نیست؛ چون دکتری فقط در دانشگاهها عرضه می‌شود، نه مدارس معماری. در دانشگاهها نیز رشتهٔ معماری نیست. لذا در فرانسه، فارغ‌التحصیلان معماری که تحصیلات عالی (مثلاً دکتری) دارند و عدهٔ آنها نیز زیاد است در این بخش فعالیت می‌کنند؛ اما تحصیلات دکتری آنها عمدتاً در زمینهٔ علوم اجتماعی، شهرسازی، یا تاریخ است و فقط اندکی از آنها رسالهٔ دکتری در زمینهٔ تاریخ هنر دارند. این از آن‌روست که در فرانسه، انتخاب گرایش تحصیلی بر اساس اولویت دانشکده‌ها نیست؛ بلکه بر اساس علایق و تخصص استادان راهنما است.

آموزش تاریخ معماری در مدارس معماری فرانسه تنوع کمی و کیفی بسیاری دارد؛ اما شاید بتوان ساختار و الگویی مشخص در همهٔ آنها جستجو کرد. تاریخ معماری معمولاً در سه سال اول آموزش، و گاهی نیز در سال چهارم، به‌صورت اجباری عرضه می‌شود. در سالهای پنجم و ششم، این درس اختیاری است. در دو سال اول، آموزش تاریخ معماری شامل مطالب معمول و نیز دروسی چون برداشت از بناها از گذشتهٔ دور تا به امروز است؛ البته در برخی از مدارس این موضوع از دورهٔ رنسانس آغاز می‌شود. در سالهای سوم و چهارم، دروس تاریخ معماری بیشتر تخصصی می‌شود؛ همچون بحث دربارهٔ رنسانس ایتالیا، خانه‌سازی با رعایت جنبه‌های اجتماعی، یا مثلاً لوکوربوزیه. دانشجویانی که در سالهای پنجم و ششم در سمینارهای اختیاری تاریخ شرکت می‌کنند معمولاً علاقه دارند بعد از پایان تحصیلات در دورهٔ عمومی معماری، رسالهٔ تحقیقاتی خود را در این زمینه‌ها عرضه کنند یا در رشتهٔ تاریخ معماری ادامهٔ تحصیل دهند. آموزش بعد از سال دوم عمدتاً با توجه بسیار به اصول مدرن لوکوربوزیه، میس وان‌در روهه، فرانک لوید رایت، آلوار آلتو،[115] و لویی کان،[116] بر قرن بیستم تأکید می‌کند. امروزه به‌ندرت دروس تاریخ با دروسی همراه است که نیازمند تهیهٔ نقشه‌های ترسیمی از ساختمانهای تاریخی است؛ در حالی که سنت برداشت از بناهای تاریخی از مهم‌ترین پایه‌های آموزش معماری فرانسه بوده است.

(115) Alvar Alto

(116) Louis Kahn

گویی امروزه تاریخ معماری نقش باشکوه و محوری خود را در آموزش معماری از دست داده است. البته در میان مورخان معماری، هنوز گروهی در حسرت عقاید برنار اوئه[117]اند (که معتقد بود تاریخ معماری مکمل کارگاه طراحی معماری، اما جدا از آن است). او معتقد بود که آموزش صحیح تاریخ معماری منجر به تربیت معماران خوب می‌شود؛ اما امروزه وضع فرق کرده است. مدارس معماری با هدف آموزش تاریخ باید به منظور تربیت معماران حرفه‌ای برنامه‌ریزی کنند. در جهان، تقریباً همه معتقدند که جدا کردن دروس تاریخ معماری مشکلاتی به همراه دارد؛ اما مشخصاً معلوم نیست که چگونه باید آموزش تاریخ را در مدارس معماری گنجاند. دربارهٔ آموزش تاریخ معماری، عقاید متفاوتی هست: عده‌ای معتقدند باید به تاریخ معماری در کارگاه طراحی معماری توجه کرد؛ و عده‌ای بر این عقیده‌اند که این مبحث باید جداگانه عرضه شود. معمولاً استادان جوانی که تحصیلات تکمیلی (یا دکتری) خود را در رشتهٔ تاریخ یا شهرسازی به انجام رسانده‌اند، به صورت دوم معتقدند. ایشان تاریخ معماری را مستقل از کارگاههای طراحی معماری می‌شمارند. هیچ‌یک از ایشان در اهمیت تاریخ معماری یا ارتباط آن با موضوع طراحی شک ندارند؛ اما معتقدند که تاریخ معماری باید نه به

(117) Bernard Huet

شیوهٔ ابزاری، بلکه به صورت موضوعی میان‌رشته‌ای عرضه شود.

البته اعتقادات دیگری نیز در میان برخی از فارغ‌التحصیلان و متخصصان تاریخ رسوخ کرده است؛ مثلاً برخی معتقدند که در مدارس معماری، باید دست‌کم عده‌ای از مدرسان و دانشجویان به موضوع طراحی معماری به منزلهٔ پشتوانه‌ای برای تفکرات تاریخ معماری بنگرند؛ یعنی طراحی معماری را ابزاری برای پیشبرد تاریخ معماری بدانند. این موضوع از آن جهت مورد توجه است که برخی از دانشجویان بعد از فراغت از تحصیل در مدارس معماری، علاقه‌مند به فعالیت در رشتهٔ تاریخ‌اند. تفکرات دیگری نیز هست؛ مثلاً در مدرسهٔ معماری ورسای[۱۱۸]، برنامهٔ تاریخ معماری تقریباً بر مبنای عقاید آنِماری شاتله[۱۱۹] است. شاتله معتقد است تاریخ معماری تاریخ تولیدات معماری در ارتباط با مفاهیم شهر و فرهنگ خاص است. این نگاه که هم‌زمان به تاریخ فرهنگ و امور اجتماعی و تولیدات معماری معطوف است، از نگرش واقع بینانه به درک طراحی و معماری نشئت می‌گیرد. در مدرسهٔ ورسای، برنامهٔ مدونی مبتنی بر ارتباط کامل دانشجویان با تاریخ معماری از دورهٔ کارشناسی تا تحصیلات عالی شکل گرفته است.

(118) Versailles

(119) Anne-Marie Châtelet

کتاب‌نامه

Anderson, Stanford. “Architectural History in Schools of Architecture”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 58, No.3.; Architectural History 1999/2000 (Sep., 1999), pp. 282-290.

Bergdoll, Barry and Alice Thomine. “Teaching Architectural History in France: A Shifting Institutional Landscape”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No. 4 (Dec. 2002), pp. 509-518.

Castex, Jean. *Renaissance, Baroque et Classicisme, History de L’Architecture*, 1420-1720.

Conway, Hazel and Rowan Roenish. *Understanding Architecture*, London, Routledge, 1994.

Fergusson, James. *A History of Architecture in all Countries from the Earliest Times to the Present Day*.

Frampton, Kenneth. *Modern Architecture: A Critical History*, London, 1980.

Fujimori Terunobu, *Nibon no kindai kenchiku*, Tokyo, 1993.

Gideon, Sigfried. *Space, Time, and Architecture*, Cambridge, Mass., 1967.

Heynon, Hilde and Kristade Jonge. “Teaching of Architectural History and Theory in Belgium and the Netherlands”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No.3 (Sep. 2000), pp. 335-345.

Honour, Hugh and John Flemming. *World History of Art*.

Howard, Deborah. “Teaching Architectural History in Great Britain and Australia: Local Conditions and Global Perspectives”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No.3 (Sep. 2002), pp. 346-354.

Kostof, Spiro. *A History of Architecture*, New York, 1985.

Neumann, Dietrich. “Teaching the History of Architecture in Germany, Austria and Switzerland: Architekturgeschichte vs. Bauforschung”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No. 3 (Sep. 2002), pp. 70-380.

Ota Hirotaro. *Nibon no kenchiku*, Tokyo, 1968.

Reynolds, Jonathan M. “Teaching Architectural History in Japan: Building a Context for Contemporary Practice”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No.4 (Dec. 2002), pp. 530-536.

Roth, Leland. *Understanding Architecture*. Westview, 1992.

Suzuki Hiroyuki and Yamaguchi Hiroshi (eds.). *Kindai gendai kenchikushi*, Tokyo, 1993.

Torre, Susana. “Teaching Architectural History in Latin America: The Elusive Unifying Architectural Discourse”, in: *The Journal of the Society of Architectural Historians*, Vol. 61, No.4 (Dec. 2002), pp. 549-558.

Watkin, David. *A History of Western Architecture*. Watson-Guptil, 2000.

پی‌نوشتها

۱. دکتر در آموزش معماری؛ عضو هیئت علمی دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی

2. *The Journal of the Society of Architectural Historians*

۳. البته در این مجموعه جای کشورهایی از خاور میانه، افریقا و جنوب اروپا ــ همچون ترکیه، هندوستان، مصر، ایتالیا و اسپانیا ــ خالی است.

4. Dietrich Neumann, “Teaching the History of Architecture in Germany, Austria and Switzerland: Architekturgeschichte vs. Bauforschung”.

۵. اصولاً آموزش در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد به گونه‌ای که در دانشگاههای ایالات متحد یا انگلستان وجود دارد در دوره‌های عمومی دانشگاهی آلمان و اِتریش نانشاخته است. در این کشورها، تحصیلات دانشگاهی عمدتاً تخصصی است و بعد از دیپلم دبیرستان تا سطح حدود کارشناسی ارشد ادامه پیدا می‌کند و ممکن است تا سطح دکتری نیز ادامه یابد.

۶. منظور از برداشت در اینجا لزوماً برداشت اندازه‌ها و ترسیم نقشه‌های بنا نیست؛ بلکه ممکن است تنها برداشت اطلاعات بصری (عکاسی یا طراحی) یا تهیهٔ گزارش نوشتاری ضمن حضور در بنا باشد.

۷. شاید حضور مؤسساتی این‌چنین باعث شده باشد که در مدارس معماری زوریخ، دروس اجباری آموزش تاریخ معماری بیش از حد معمول باشد.

8. Susana Torre, “Teaching Architectural History in Latin America: The Elusive Unifying Architectural Discourse”.

۹. نمونه‌ای از آنان خانم مارینا وایزمن (Marina Waisman, 1920-1997)، مورخ معتبر آرژانتینی است.

۱۰. در این زمینه می‌توان از سمینارهایی دربارهٔ هویت فرهنگی به نام سال (SAL) از حدود سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰ در امریکای لاتین یاد کرد.

11. Deborah Howard, “Teaching Architectural History in Great Britain and Australia: Local Conditions and Global Perspectives”.

12. Hugh Honour and John Flemming, *World History of Art*.

13. Leland Roth, *Understanding Architecture*.

14. Hazel Conway and Rowan Roenish, *Understanding Architecture*.

15. Stanford Anderson, “Architectural History in Schools of Architecture”.

16. Hilde Heynon and Kristade Jonge, “Teaching of Architectural History and Theory in Belgium and the Netherlands”.

17. Watkin, David. *A History of Western Architecture*.

18. Jean Castex, *Renaissance, Baroque et Classicisme, History de L’Architecture, 1420-1720*.

19. Kenneth Frampton, *Modern Architecture: A Critical History*.

20. Jonathan M. Reynolds, “Teaching Architectural History in Japan: Building a Context for Contemporary Practice”.

21. James Fergusson, *A History of Architecture in all Countries from the Earliest Times to the Present Day*.

22. Fujimori Terunobu, *Nibon no kindai kenchiku*.

23. Suzuki Hiroyuki and Yamaguchi Hiroshi, *Kindai gendai kenchikushi*.

24. Ota Hirotaro, *Nibon no kenchiku*.

25. Spiro Kostof, *A History of Architecture*.

26. Sigfried Gideon, *Space, Time, and Architecture*.

27. Kenneth Frampton, *Modern Architecture, a Critical History*.

28. Barry Bergdoll and Alice Thomine, “Teaching Architectural History in France: A Shifting Institutional Landscape”.